

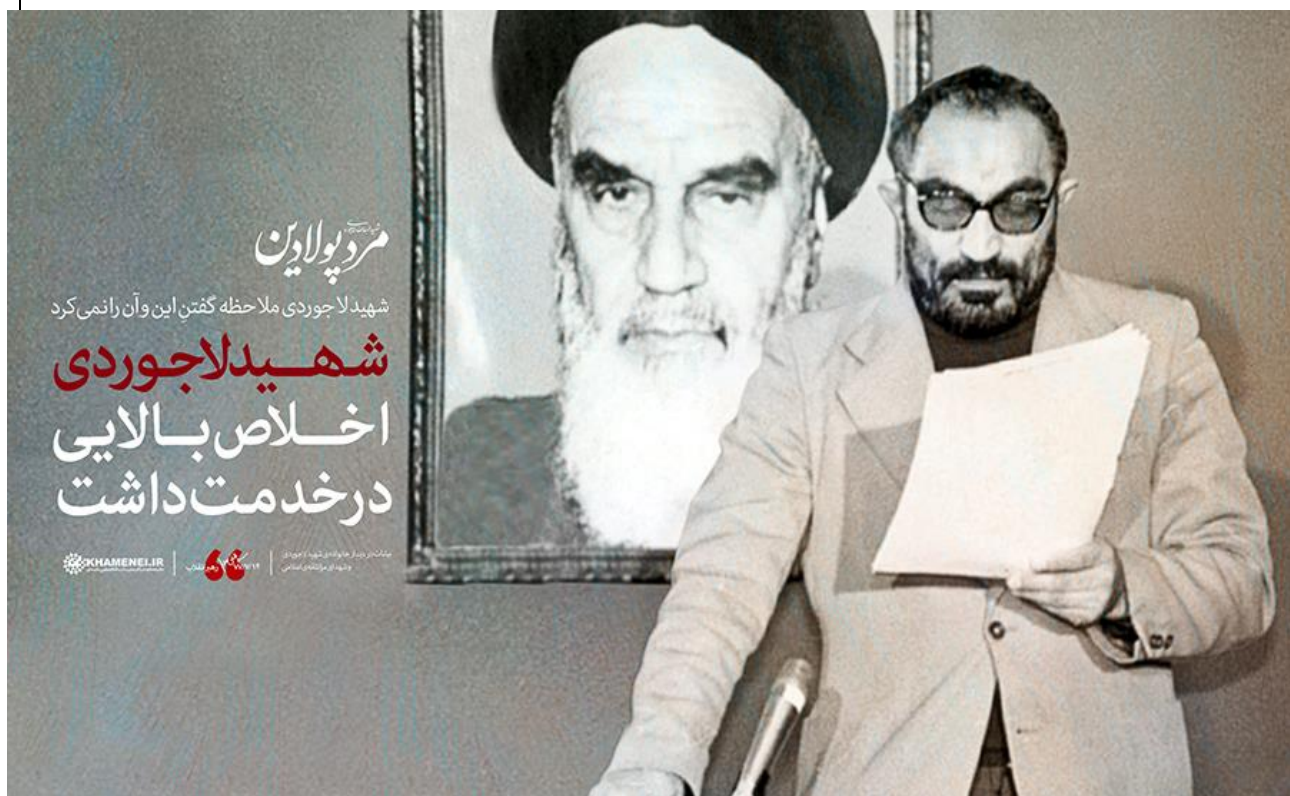
گزارش اولین نشست نقد رأی در سال 1400





هدیه می گردد این اثر به پیشگاه دادستان انقلاب تهران

شهید اسداله لاجوردی



کتابنامه

نام اثر: اولین نشست نقد رأی دادگستری کل استان کرمان

تاریخ جلسه: 1400/01/26

تاریخ تدوین: 1400/02/18

موضوع: گردش کار و جایگاه آن

فهرست مطالب

6	گزارش نشست نقد رأی.....
8	بخش اول. آراء قضایی مربوط.....
16	بخش دوم. طرح بحث.....
16	1. بیان موضوع.....
18	2. تحلیل و نظر حاضران و قضات صادرکننده رأی.....
27	بخش سوم. جمع بندی و نتیجه گیری.....

امام خامنه ای (حفظه الله)!

یک نکته‌ی دیگری که من در مورد ارتقاء قوه‌ی قضاییه عرض می‌کنم - البته قبلاً هم بارها مورد تأکید قرار گرفته، لیکن چون مهم است، تکرار می‌کنیم - مسئله‌ی **اتقان احکام** است. احکام دادگاه‌ها بایستی مطلقاً از سهل‌انگاری و سهل‌گیری به دور باشند. شما به عنوان یک قاضی محترم، حکمی که صادر می‌کنید، باید جوری باشد که اگر این حکم بنا باشد در معرض دید متخصصین امور فقهی و حقوقی قرار بگیرد، شما هیچ دغدغه‌ای نداشته باشید؛ مطمئن باشید به این حکمی که صادر کرده‌اید. قاضی وقتی از دانش لازم برخوردار است و مراقب کار خود و حکم خود هم هست، باید جوری باشد که همان وقتی که این حکم صادر شد، حاضر باشد آن را در معرض دید همه‌ی کارشناس‌ها و متخصصین قرار بدهد و بتواند از حکم خودش دفاع کند. **اتقان حکم** باید اینجور باشد. اندک سستی و ضعف در حکم، به کل بنای دستگاه قضائی ضربه وارد می‌کند.

¹. بیانات در دیدار مسئولین قوه قضاییه، 1391/04/07

تاریخ جلسه	روز	ساعت شروع	ساعت پایان	محل جلسه	دبیر جلسه
1400/01/26	پنجشنبه	08:00	10:00	سالن کنفرانس شهید بهشتی دادگستری کل استان کرمان	محمد باقر اسلامی
«نشست نقد رأی قضایی»					
با موضوع: گردش کار و جایگاه آن					
<p>با توجه به اینکه ساختار رأی یکی از شالوده های اساسی ذهنی قاضی برآی پی ریزی بنای یک رأی و تصمیم قضایی می باشد، رعایت استانداردهای لازم جهت تنظیم مفاد یک رأی، لازمه اش توجه به این ساختار می باشد، و یکی از ارکان و اجزاء ساختار رأی درج گردش کار در رأی می باشد، به همین منظور در نشست نقد رأی روز پنجشنبه 26 فروردین ماه 1400 در دادگستری کل استان کرمان با حضور معاون منابع انسانی دادگستری کل استان کرمان جناب آقای اسلامی، معاون محترم قضایی رئیس کل دادگستری جناب آقای امیر میجانی، و معاون ارزشیابی و نظارت جناب آقای مبشری، و معاون محترم اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم جناب آقای قویدل، قاضی صادر کننده آقای مهدیان، و تعدادی از قضات و رئیس کانون وکلای دادگستری استان کرمان، و حضور آقای دکتر محمدرضا صفی نتاج عضو هیات علمی دانشگاه، و رابط پژوهشگاه قوه قضائیه در استان کرمان، برگزار گردید.</p>					
<p>1- آقای محمد باقر اسلامی، معاون منابع انسانی دادگستری کل استان کرمان. 2- آقای مسعود امیر میجانی، معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان کرمان. 3- آقای غلامعباس مبشری، معاون ارزشیابی و نظارت دادگستری کل استان کرمان. 4- آقای سید مهدی قویدل، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم. 5- آقای مصطفی مهدیان مقدم، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان (قاضی صادر کننده رأی). 6- حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی، رئیس کل محاکم عمومی و انقلاب شهرستان کرمان. 7- آقای رضا نیک بخت، رئیس شعبه ی سیزده دادگاه تجدیدنظر استان کرمان. 8- آقای ابراهیم خلیفه ای، رئیس شعبه ی سوم دادگاه تجدیدنظر استان کرمان. 9- آقای جمالی، رئیس شعبه ی یازده دادگاه تجدیدنظر استان کرمان. 10- آقای اکبر کمالی، مستشار محاکم تجدیدنظر استان کرمان. 11- آقای زین الدینی، مستشار محاکم تجدیدنظر استان کرمان.</p>					
اعضاء جلسه					

- 12- آقای محمد محقق، مستشار محاکم تجدیدنظر استان کرمان.
- 13- آقای حمید کریمی، مستشار محاکم تجدیدنظر استان کرمان.
- 14- آقای اکبر مختاری، معاون قضایی رئیس کل محاکم عمومی و انقلاب شهرستان کرمان.
- 15- آقای علی میرزا بیگی، معاون قضایی رئیس کل محاکم عمومی و انقلاب شهرستان کرمان.
- 16- آقای رسول عسکری، دادرس شعبه ی 106 دادگاه کیفری دو شهرستان کرمان.
- 17- آقای سلیمانی، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان.
- 18- آقای ایرانمنش، نماینده کانون وکلای دادگستری استان کرمان.
- 19- آقای دکتر محمدرضا صفی نتاج، عضو هیات علمی دانشگاه.
- 20- آقای اکبری زاده، مستشار محاکم تجدیدنظر استان کرمان و رابط پژوهشگاه قوه قضائیه.

(1) رأی شعبه ی یازدهم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان

تاریخ دادنامه: 1399/02/28

شماره پرونده: 9909973416100153

شماره دادنامه: 9909983416100075

مرجع رسیدگی: شعبه ی یازدهم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان

شاکی: آقای س - ا فرزند ع

متهم: آقای ا - ر فرزند ح

اتهام: خیانت در امانت

پرونده کلاسه 9909983416100075 شعبه یازدهم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب کرمان تصمیم نهایی

شماره 9909973416100153

شاکی: آقای س - ا فرزند ع به نشانی استان کرمان - شهرستان کرمان - شهر کرمان - ...

مشتکی عنه: آقای ا - ر فرزند ح به نشانی استان کرمان - شهرستان کرمان - شهر کرمان - ...

اتهام: خیانت در امانت

بسمه تعالی

در تاریخ 1399 / 02 / 28 جلسه شعبه یازدهم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان در وقت فوق العاده به تصدی اینجانب امضاء کننده ذیل تشکیل است ، پرونده کلاسه پیوست تحت نظر است ، با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال ، ختم تحقیقات و کفایت آن را اعلام و به شرح آتی مبادرت به صدور قرار می نماید .

((قرار منع تعقیب))

دادستان محترم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان

احتراما در خصوص شکایت آقای س - آ علیه آقای ا - ر با وکالت خانم ر - ر دائر بر خیانت در امانت و سوء استفاده از سفید امضا نسبت به سه یا چهار فقره سفته (به شماره های 503922-503923- نامعلوم) .

• گردشکار:

پرونده پس از ارجاع به این شعبه ، در مسیر تحقیقات مقدماتی قرار گرفت و جهت روشن شدن موضوع شکایت اظهارات شاکی اخذ و بیان داشت ((برای اینکه) از سوی مقام قضایی مربوطه) به زندان نروم مجبور شدم سفته ها را امضا کنم یعنی سفید امضا کردم بدون مبلغ و بدون اسم و بدون تاریخ و قرار بود سفته ها امانت باشد یعنی به من مسترد شود ولی مشتکی عنه نسبت به اجرای سفته ها اقدام کرده است درحالیکه من هیچ بدهی به مشتکی عنه نداشتم)) و شاکی در ادامه درخواست تعیین کارشناس مالی جهت بررسی موضوع و احراز عدم بدهی خود نموده است و مدعی است عین همین موضوع در دادگاه تجدیدنظر مطرح که قضات محترم به این نتیجه رسیدند که جزء تعیین کارشناس برای رسیدگی به پرونده نمی باشد که اسناد مذکور به شرح صفحات 28 الی 34 ثبت پرونده گردیده است که در ادامه مشتکی عنه احضار و از ایشان تحقیق به عمل آمد که ایشان بیان داشت ((سفته ها به اسم و فامیل و کدملی و امضای خود آقای آ در حضور سه شاهد امضا شد و سفته نیازی به ذکر مبلغ ندارد چون سفته با ذکر مبلغ بوده است و سفته ها بابت طلبی بود که ایشان از طریق چک علیه من اقدام حقوقی کرده بود درحالیکه چک های (ایشان) هیچ منشاء نداشته و برای ربا بوده است و هیچ پولی واریز نشده بود و اگر ایشان واریزی برای من داشته من قبول دارم و حتی یک سری هم پول به حساب ایشان واریز کردم تا چک ها مسترد شود و سایر شهود خود را نیز معرفی خواهم کرد))، از شاهد تعرفه شده از سوی شاکی به شرح صفحه 50 پرونده به هویت آقای س - ب تحقیق به عمل آمد که بیان داشت ((آقای س - آ از قاضی پرونده مربوطه درخواست کرد که وقتی به او بدهند تا رضایت آقای ر. را اخذ نماید و در نهایت 200 میلیون سفته را امضا کرد)) وکیل مشتکی عنه نیز در ادامه جهت دفاع از موکل خود بیان داشت ((اولا موکل بنده در پرونده به شماره بایگانی 980222 شعبه 3 بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کرمان ، شاکی بوده است و بنابراین نقل قول آقای آ اگر سفته ها به فرض امانتی هم بوده باشد ، چرا در همان بازپرسی این مطلب امانت درج نشده بود؟ و بر چه مبنایی این سفته ها امانتی اخذ شده است؟ ثانيا چرا بعد از گذشت یک سال و نیم از طرح شکایت کیفری و رضایت موکل بنده در بازپرسی سوم بدون ارائه یک اظهارنامه و بدون ارائه هیچگونه شکایت کیفری ، بدون ارائه هیچ گونه دادخواست حقوقی مبنی بر استرداد لاشه سفته اقدام به طرح شکایت

کیفری نموده اند؟ ثالثاً شاکی هیچ دلیل و رسیدی مبنی بر امانتی بودن سفته ها ندارد و امضا و اثر انگشت ایشان بر روی سفته ها موجود است)) در ادامه از شاکی در خصوص چک های مورد ادعای مشتکی عنه تحقیق گردید که ایشان بیان داشت ((چک های ایشان(آقای ر) در سال 93 به دست من رسید البته به صورت غیر مستقیم، یعنی خودم با ایشان هیچ معامله ای نداشتم و چک های ایشان از طریق ظهنوسی به من منتقل شد تقریباً مجموع همه چک های ایشان 40 الی 50 میلیون تومان بود و ایشان آمد پیش و کیلی به نام آقای ا.ا و تمام واقعیت را بیان کرد که در صورت لزوم ایشان را احضار کنید من بر روی چک ها دادخواست دادم، ایشان محکوم شد و در مرحله اجرا آمد، پول چک ها را داد بدون اینکه یک کلمه از ربا صحبت کند و سال 97 آقای ح. ج با من مشکل برخورد و شاکی من شد و آقای ر از موضوع شکایت ایشان مطلع شد و فهمید ما دادگاه داریم و ساعت 12 ظهر به دادگاه آمد و پروند من را با اعمال نفوذ به شعبه دیگری برد که قاضی پرونده ... گفت تو نزول خوار هستی باید بروی زندان و یا رضایت شاکی را بگیری ... و آقای س. ب از مستخدمین آقای ر است و شهادت ایشان را قبول ندارم و سفته ها صرفاً به امضا و انگشت من رسیده است))

• استدلال:

با توجه به محتویات پرونده و اسناد و مدارک ارائه شده از سوی طرفین و اظهارات اخذ شده از طرفین به صورت انفرادی و در جلسه مواجهه حضوری نظر به اینکه

1- با توجه به صدور قرار نهایی از سوی شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کرمان به شرح صفحه 57 پرونده، در خصوص شکایت آقای ر علیه آقای آر دائر بر رباخواری و تحصیل مال از طریق نامشروع، که حاکی از موثر بودن رضایت مشتکی عنه در صدور قرار نهایی می باشد لذا به نظر می رسد صدور سفته های مورد ادعای شاکی، حتی به فرض سفید امضا بودن جهت تحصیل رضایت شاکی در پرونده مذکور بوده است و اساساً منشاء صدور این سفته ها اخذ رضایت آقای ر به عنوان شاکی در پرونده استنادی بوده است و نه رابطه مالی و اختلاف حساب طرفین.

2- درخواست شاکی جهت ارجاع امر به کارشناس امور مالی از حیث این مرجع مسموع نمی باشد و مستنداً به ماده 155 قانون آیین دادرسی کیفری ضروری نمی باشد؛ زیرا صرف نظر از اینکه ارجاع امر به کارشناس مالی موجب اطاله بی مورد تحقیقات می گردد، تاثیری در کشف حقیقت ندارد چون همانگونه که بیان شد حسب

محتویات پرونده و اسناد و مدارک ابرازی از سوی طرفین ، منشاء صدور سفته های سفید امضا مورد ادعای شاکی ، اخذ رضایت مشتکی عنه در پرونده شعبه سوم بازپرسی بوده است و نه پرداخت بدهی و اختلاف حساب مالی طرفین .

3- صدور سفته سفید امضاء(به صورت عدم درج مبلغ و تاریخ و صرفا با امضا از سوی صادر کننده) اساسا به معنای اعطای وکالت در تحریر محتویات سفته از قبیل مبلغ و تاریخ سفته تا میزان مبلغ سفته تعریف شده از سوی بانک مربوطه می باشد لذا تحدید حدود اختیارات وکیل نیازمند تصریح می باشد تا مشخص شود وکیل تا چه میزان از حدود و اختیارات اعطایی از سوی موکل(صادر کننده سند سفید امضا) عدول کرده است که این امر نیز در پرونده محرز نمی باشد

4- جرم انگاری بزه سوء استفاده از سند سفید امضا اعم از چک یا سفته موضوع ماده 673 قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم بخش تعزیرات ، جهت حمایت کیفی از صادر کننده سندی است که با اعطاء وکالت در تحریر سایر مندرجات سند ، قصد پرداخت تعهد موضوع آن سند یا اجرای تعهد را دارد نه صادر کننده ای که قصد پرداخت سند سفید امضا را ندارد؛ لذا با توجه به اظهارات شاکی مبنی بر اینکه مجبور شده است جهت اخذ رضایت شاکی این سند را به صورت سفید امضا ، امضا کند که بدین نحو به نظر می رسد اساسا نامبرده قصد پرداخت سفته سفید امضا به هر مبلغی را نداشته است لذا بدین کیفیت موضوع تخصصا از شمول ماده مذکور خارج است.

5- شاکی بیان داشته است به دلیل اجبار جهت اخذ رضایت شاکی مجبور به دادن سفته ها به صورت سفید امضا شده است که با توجه به محتویات پرونده و اظهارات طرفین ، وضعیت شاکی در پرونده شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کرمان که به نظر می رسد شاکی ، جهت جلوگیری از اعزام به زندان و بازداشت به لحاظ عدم تامین وثیقه یا کفالت و اعطاء مهلت جهت صلح و سازش از سوی مقام قضایی ، اقدام به صدور سفته نموده است که بدین کیفیت صدور سفته ها به صورت سفید امضا ، حداکثر ممکن است در حالت اضطرار بوده باشد نه اجبار و اکراه؛ لذا موضوع شکایت شاکی تخصصا از شمول ماده 668 قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم بخش تعزیرات(اخذ سند با اجبار ، اکراه ، تهدید یا قهر) نیز خارج است.

6- با توجه به اماره مدیونیت موضوع ماده 265 قانون مدنی، صرف صدور سند تجاری اعم از سفته یا چک از ناحیه شاکی، دلالت بر مدیون بودن ایشان دارد و ادعای شاکی مبنی بر اینکه مشتکی عنه باید ثابت کند چه طلبی از بنده دارد و این سفته ها فاقد منشاء می باشد (علیرغم اینکه به نظر می رسد منشاء صدور سفته ها اخذ رضایت مشتکی عنه بوده است) و تحمیل بار اثبات دعوی به مشتکی عنه، مردود است زیرا در مانحن فیه شاکی، مدعی محسوب می گردد و ظاهر نیز بر خلاف ادعای ایشان است و طبق قاعده (البینه المدعی و الیمین علی المنکر) ایشان باید ادعای خود را در این خصوص ثابت کند نه مشتکی عنه و مشتکی عنه علاوه بر اینکه در پناه اماره دائن بودن موضوع ماده 265 قانون مدنی است، در پناه اصل برائت موضوع ماده 4 قانون آیین دادرسی کیفری نیز می باشد و تا زمانی که دلیلی علیه او حاصل نشود از مزایای اصل برائت از جمله عدم تحمیل بار اثبات دعوی کیفری برخوردار است.

7- به فرض پذیرش ادعای شاکی مبنی بر امانتی بودن سفته ها، با عنایت به اینکه نامبرده پس از صدور سفته ها هیچ گونه اظهارنامه، اقدام بانکی یا شکایت کیفری علیه مشتکی عنه نکرده است تا امانتی بودن سفته ها را اثبات نماید و جلوی سوء استفاده احتمالی از سفید امضای توسط مشتکی عنه را بگیرد لذا امانتی بودن سفته ها نیز محرز و مسلم نمی باشد

8- ادعای شاکی مبنی بر طرح پرونده مشابه در دادگاه تجدیدنظر جهت ارجاع امر به کارشناسی و تسری آن به این پرونده مسموع نمی باشد زیرا اولاً) پرونده مورد استناد شاکی در مرحله تجدیدنظر در خصوص دعوی حقوقی بوده است که با توجه به اصل استقلال مراجع کیفری و مراجع حقوقی هیچ الزامی برای مرجع کیفری ندارد ثانیاً) با عنایت به ماده 18 قانون آیین دادرسی کیفری و ماده 227 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1381 و اصل الزام رأی مرجع کیفری برای مرجع حقوقی، نه تنها مرجع قضایی کیفری الزامی به تبعیت از نظر مرجع قضایی حقوقی ندارد بلکه برعکس مرجع قضایی حقوقی بایستی در مواردی از نظر مرجع قضایی کیفری تبعیت نماید (به استثناء ماده 21 قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص اموال غیر منقول) و اصل حقوقی حاکمیت آراء محاکم کیفری بر محاکم حقوقی نیز موید این مطلب است و تنها در موارد اناطه از این اصل عدول گردیده است که شامل پرونده جاری نمی باشد

• اظهار نظر نهایی:

لذا در نهایت با توجه استدلال های هشت گانه مذکور به لحاظ فقدان دلیل کافی بر وقوع کلیه بزه های انتسابی و حاکمیت اصل کلی براءت مستندا به ماده 265 قانون آیین دادرسی کیفری، قرار منع تعقیب نامبرده صادر و اعلام می گردد . قرار صادرشده پس از اعلام موافقت دادستان محترم عمومی و انقلاب شهرستان کرمان ظرف مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض از ناحیه شاکی در دادگاه کیفری دو شهرستان کرمان است.

دفتر: 1- مقرر است پرونده برگشماری، در اجرای ماده 92، 267 قانون اخیر الذکر امروز به نظر دادستان محترم برسد 2- در صورت موافقت دادستان محترم به طرفین ابلاغ، پس از مضمی مدّت قانونی و قطعیت قرار از آمار کسر و بایگانی شود 3- در صورت اعتراض به قرار از ناحیه شاکی جهت رسیدگی به مرجع صالح ارسال گردد.

مصطفی مهدیان مقدم

دادیار شعبه یازدهم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمان

(2) رأی شعبه ی 102 دادگاه کیفری دو شهرستان کرمان

تاریخ دادنامه: 1399/04/03

شماره پرونده: 9909983416100075

شماره دادنامه: 9909973411700341

مرجع رسیدگی: شعبه ی 102 دادگاه کیفری دو شهرستان کرمان

تجدیدنظر خواه: آقای س - آ فرزند ع

تجدیدنظر خوانده: آقای ا - ر فرزند ح

تجدیدنظر خواسته: اعتراض به قرار منع تعقیب دادرسی

پرونده کلاسه 9909983416100075 شعبه 102 دادگاه کیفری دو شهر کرمان تصمیم نهایی شماره

9909973411700341

شاکی: آقای س - آ فرزند ع به نشانی استان کرمان - شهرستان کرمان - شهر کرمان -

متهم: آقای ا - ر فرزند ح به نشانی استان کرمان - شهرستان کرمان - شهر کرمان -

اتهام: خیانت در امانت

گردش کار: پرونده کلاسه 9900235 تحت نظر است با مذاقه در اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.

« رأی دادگاه »

در خصوص اعتراض آقای س - آ فرزند ع نسبت به قرار منع تعقیب صادره از سوی دادیار محترم شعبه یازدهم دادرسی عمومی و انقلاب کرمان موضوع اتهامی آقای ا - ر با وکالت خانم ر - ر دائر به خیانت در امانت و سوء استفاده از سفید امضاء نسبت به سه یا چهار فقره سفته (به شماره های 503922 - 503923 - نامعلوم) ، دادگاه با بررسی مجموع اوراق و محتویات پرونده ، و نظر به اینکه قرار صادره وفق مقررات و موازین قانونی صادر شده و معترض نیز در ادله مثبتی ای که بتواند موجبات نقض قرار را فراهم نماید به این دادگاه ارائه ننموده است ، لذا مستندا به ماده 273 از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 92 ضمن رد اعتراض حکم به تایید قرار معترض عنه را صادر و اعلام می نماید. رأی صادره قطعی است / .

رئیس شعبه 2 دادگاه کیفری دو کرمان - علی محیط

بخش دوم. طرح بحث

1. بیان موضوع:

رأی محصول کار قضایی در یک روند دادرسی عادلانه محسوب می شود. همه تلاش های صورت گرفته، اقدامات به عمل آمده از تعقیب و تحقیق، و تشکیل جلسه رسیدگی، و تحقیقات گوناگون، و رعایت تشریفات شکلی یک طرف، و مفاد و محتوای رأی صادر شده در طرف دیگر قرار می گیرند. هر میزان هم که روند دادرسی و تحقیقات عالی، خوب و با اسلوب باشد، اما تجلی آنها در رأی اگر مناسب و گویا و وافی به مقصود نباشد، همه آن تلاش ها را تحت الشعاع قرار می دهد.

رأی اظهار نظر نهایی و قضایی پیرامون یک موضوع مورد اختلاف و تنازع است، که قاطع دعوا بوده، و فصل خصومت تلقی می شود، و به لحاظ تفوق و برتری، و جایگاه حاکمیتی مراجع قضایی، هیچ سخنی بعد از قطعیت تصمیم، و طی شدن تمام مراحل دادرسی وجود ندارد. اما سخنی که بعد از این رأی قطعی باقی می ماند، گویا و رسا بودن رأی مرجع قضایی است، که به خوبی تبیین کننده اجزاء عدالت در پیکره کلمات و جملات و استدلال ها باشد.

یکی از ارکان مهم یک رأی "گردش کار" آن می باشد. اینکه در نصوص قانونی متنی به گردش کار اختصاص داده شده یا خیر؟ و اینکه از چه زمانی موضوع گردش کار وارد آراء قضایی شد؛ یک بحث جداگانه و تحقیقی مفصل است. اما از همه مهتر چیستی این گردش کار و اهمیت آن می باشد.

شاید در ابتدا که رویه ی قضایی به عنوان یک منبع ارشادی به این نتیجه رسید که گردش کار را جزء ارکان رأی بشناساند، مقنن هنوز به اهمیت آن پی نبرده بود، در متون قانونی زمانی که مقنن اجزاء رأی را بر می شمرد، ضرورت این امر را احساس نکرده بود. به طور مثال در ماده ی 296 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال 1379² مقنن زمانی اجزاء یک رأی را بر می شمرد، نامی از گردش کار به میان نیاورده بود. تا اینکه مقنن در ماده ی 378 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 با اصلاحات و الحاقات بعدی³، برای

² ماده 296 - رأی دادگاه پس از انشاء لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرسی یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد:

1 - تاریخ صدور رأی.

2 - مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه.

3 - موضوع دعوا و درخواست طرفین.

4 - جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آنها صادر شده است.

5 - مشخصات و سمت دادرسی یا دادرسان دادگاه.

³ ماده 378 - رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک نویسی یا تایپ شود. این رأی که «دادنامه» خوانده می شود با نام خداوند متعال شروع و

موارد زیر در آن درج می شود و به امضای دادرسی یا دادرسان می رسد و به مهر شعبه ممهور می شود:

الف - شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی

ب - مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادر کننده رأی و سمت ایشان

پ - مشخصات طرفین دعوی و وکلای آنان

اولین بار مراجع قضایی را با این موضوع در متون قانونی مواجه نمود، و امر را به سمت جدی شدن استفاده از این پیکره ی لازم مغفول مانده سوق داد.

اما شعب دیوان عالی کشور به لحاظ اینکه جریان پرونده، وسیر پرونده را می بایست برای رسیدگی در دیوان تمییز تهیه می نمودند، همین گزارش را در قسمت ابتدای رأی درج می نمودند، و این شیوه تاکنون نیز استمرار دارد، و در قریب به اتفاق آراء شعب مختلف دیوان عالی کشور گردش کار پای ثابت آنها می باشد.

اما اینکه این چرا "گردش کار" اهمیت دارد، همین بس که دادرس برای فهماندن راه طی شده تا رسیدن به این تصمیم قضایی نهایی، را برای مخاطب بازگو کند، و از لابلای این گفتگوها که نتیجه حاصل تنازع و تضارب می باشد، حکم قضیه را استخراج نماید، چاره ای جز اشاره به تاریخچه پرونده از آغاز تا فرجام ندارد. عدم ذکر این تاریخچه او را ناچار می نماید در متن رأی بدان اشارتی داشته باشد، که گاهی به اساس و اسلوب رأی خدشه وارد می آورد. از طرفی خواننده دادنامه ای که پرونده را در اختیار ندارد، و بخواهد در مورد تصمیم مرجع قضایی داوری و اظهار نظری داشته باشد، و آن را ارزیابی نماید، ضرورت دارد این گردش کار را مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد. با وجود گردش کار تفاهم بیشتری بین نویسندگان، و خواننده برقرار می شود.

محتوی گردش کار چه باید باشد؟ مقنن در قانون زمانی از ضرورت وجود گردش کار در دادنامه سخن به میان آورده، از توضیح پیرامون آن احتراز نموده، و یکی از ایرادات وارده به مقنن همین موضوع است، که شاید تاخیر صد ساله در درج این امر در زمینه اجزاء یک رأی، او را از این امر غافل نموده است. اما در دکترین حقوقی گردش کار را «ذکر دعوی، جریان رسیدگی به آن، احضار و اقداماتی که دادگاه در برابر این درخواست ها انجام داده، و چکیده ادله و مستندات طرفین» را تعریف نموده اند.

در دوره تحول و در دستور العمل ارزیابی اتقان آراء قضایی مصوب 1399/10/22 در ماده دو این دستورالعمل که شاخص های رأی متقن بیان شده آمده: «ماده ۲- رأی متقن ضمن تنظیم گردش کار مستقل، دارای ساختاری به شرح زیر می باشد:

الف - مقدمه: شامل مواردی از قبیل مشخصات اصحاب دعوی، و کلا یا نمایندگان قانونی آنان، موضوع درخواست، بیان فرآیند دادرسی، توصیف دقیق رفتار ارتكابی، نحوه شروع به تعقیب، عنوان اتهامی، زمان و محل وقوع آن، خواسته خواهان یا شاکی و تغییرات احتمالی آن، بیان ایرادات، دفاعیات و دلایل طرفین؛

ب - بدنه اصلی رأی: شامل مواردی مانند ارزیابی ادله، دفاعیات و مستندات طرفین، تطبیق دقیق رفتار ارتكابی با اعمال یا وقایع حقوقی با عناوین قانونی به طور مستدل، رد یا پذیرش مستدل دلایل، ذکر مستندات، اعم از مواد قانونی، قواعد فقهی، منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر یا اصول حقوقی و انشای حکم یا قرار؛

پ - قسمت پایانی: شامل اعلام حضوری یا غیابی بودن رأی، قطعیت یا قابل اعتراض بودن آن، مهلت و مرجع رسیدگی کننده به اعتراض، مرجع رسیدگی، نام، نام خانوادگی، سمت و امضا قاضی یا قضات صادرکننده رأی و تاریخ صدور رأی است.»

محل قرار گیری گردش کار در کدام بخش دادنامه می باشد در متن یا قبل از متن اصلی؟ چنانچه قائل به ترتیب قرار گیری اجزاء مندرج در ماده ی 378 قانون مذکور باشیم، قبل از متن رأی می باشد، و سابقاً هم قضاتی که گردش کار را مجزا نمی نوشته اند، آن را داخل متن رأی پیاده سازی می نمودند، که این امر از زیبایی کار می کاهد.

در این دستورالعمل به درج گردش کار به طور مستقل و مجزای از اجزاء رأی اشاره نموده است، که مشخص می نماید گردش کار خود امری مستقل از رأی می باشد.

حال با توجه به ذکر مختصری از آنچه می شد پیرامون گردش کار بیان کرد، به بررسی رأی موضوع این نشست، و اظهار نظر های پیرامون آن خواهیم پرداخت.

2. تحلیل و نظر حاضران و قضات صادرکننده رأی:

آقای مهدیان مقدم (قاضی صادر کننده رأی): عرض سلام و ادب خدمت همه بزرگواران. در خصوص رأی ماهیتاً اظهار نظر نمی‌کنم، و سعی شده که رأی آینه‌ی تمام‌نمای یک پرونده باشد. ولی یک سری موارد است که قبل از اینکه بزرگواران بخواهند ایراد بگیرند من خودم بیان می‌کنم، زمانی من این رأی را صادر کردم دو سال بیشتر سابقه قضایی نداشتم، و همه بزرگواران که در جلسه هستند هم سابقه آنها از من بیشتر است، و هم علم‌شان، این جسارت بنده را ببخشید. لذا سعی شده که این موارد ابتکاری در رأی آورده شود، و صرفاً هم به همان موارد اشاره کنم. یکی در خصوص سبک نگارش قرار بود، که قطعاً شاید بزرگواران چنین سبکی را تا حالا ندیده باشند، یا کمتر دیده باشند، این سبک هدفمند بوده، به خاطر اینکه من خودم سعی کردم که یک تصمیم قضایی اعم از قرار یا حکم همانند یک مقاله باید یک چهارچوب داشته باشد. همانطور که مقاله چکیده دارد، مقدمه دارد، یک استدلال دارد و یک نتیجه، یک تصمیم قضایی نیز باید همین گونه باشد، خوب ممکن است ایراد بگیرند که چرا گردش کار قبل از تصمیم است؟ یا قبل از دادنامه اصلی آورده نشده؟ که این هم هدفمند بوده، و گفتم که مثل یک مقاله که مقدمه آنرا مشخصات اصحاب دعوا و موضوع شکایت و گردش کار را تلقی کردیم، ولی ممکن است این ایراد باشد ولی هدفمند بوده، یکی هم ممکن است ایرادی گرفته شود اینکه چرا عبارات پشت سر هم نگارش نشده، و همانند همه‌ی دادنامه‌ها پشت سر هم نیامده، و این ایراد گرفته بشود که این دادنامه در معرض جعل قرار بگیرد، که این ایراد به نظر من مسموع نیست، چرا که همه دادنامه‌های ما تایپ می‌شوند، در سامانه ثنا درج می‌شوند، و دادنامه دستی دیگر نداریم، لذا امکان جعل خیلی کم وجود دارد. یک سری مواردی بود که خودم می‌خواستم این سبک را حتی تغییراتی بدهم که بیشتر از این جسارت نکردم، و سعی کردم از سبک سنتی باز استفاده کنم، خودم نظر شخصی ام این است که خود قرار خطاب به دادستان باشد، مثل یک تصمیم دادگاه ابتدا باید در خصوص دادخواست و شکایت رسیدگی شود، و الزاماً نیازی نیست خطاب به دادستان باشد، اگرچه مستلزم تایید دادستان است، و در پایان هر قرار یک سری مطالبی را خطاب به دفتر می‌نویسیم، این هم زیبنده قرار نیست، ولی چون به لحاظ حجم کار دادسرا در پایان هر قرار یکسری عباراتی را کلیشه‌ای نگارش می‌کنیم این هم معمولاً در پایان هر قرار نوشته می‌شود، و همچنین سعی

شده استدلال‌ها تا جایی که امکان دارد خلاصه شوند، و در خیلی از موارد ما حتی ورود نکردیم که موارد را در پایان بیان می‌کنم.

آقای حسین رضانی زاده (رئیس دادگستری شهرستان بردسیر): از نقاط قوت رأی داشتن گردش کار به نحوی که ایشان اشاره کردند، که خلاصه اظهارات شاکی و مشتکی عنه اشاره شده است. موضوع دیگری که من در رأی دیدم هنوز به مشتکی عنه اتهامی وارد نبوده، ایشان در هیچ کجای این قرار واژه متهم را به کار نبردند، و به کلمه مشتکی عنه اشاره کردند، که قابل توجه است. در جایی دیگر ملاحظه می‌شود در خصوص درخواست ارجاع امر به کارشناس، ایشان در قرار هم اشاره کردند، و با استدلال رد کردند، و حتی استناد کردند که برای این امر نیاز به کارشناسی نیست. موضوع دیگر استدلال‌هایی که به صورت جداگانه در بندهای مختلف آورده شده، حتی مستند به اصول و مبانی قانونی، بحث اماره مدیونیت، و اصل برائت را اشاره کردند، و اینکه آن فعل ارتکاب با کدام مواد قانونی انطباق دارد، بحث مواد ۶۷۳ و ۶۶۸ تشریح کردند، و به آن پرداخته شد. هر چند در خصوص نحوه نگارش اشاره کردند آقای مهدیان، اما به نظر من گردش کار بایستی قبل از قرار باشد؛ یعنی گردش کار کاملی تنظیم شود، و بعداً قبل از اینکه قرار بخواهد صادر شود آنجا ختم تحقیقات اعلام می‌شود، بهتر این بود که با استعانت از خداوند متعال هم که مر سوم هست آن هم ذکر شود، موضوع دیگر اینکه استدلال‌هایی که بایستی در متن قرار ذکر شود، اما اینجا می‌بینیم گردش کار تنظیم شده، بلافاصله استدلال‌ها ذکر شده، و در قسمت بعد نتیجه تصمیم دادسرا را می‌بینیم. موضوع دیگری اینکه همکار محترم در چند مورد اشاره به اصل برائت کردند، آنجا به اصل ۳۷ قانون اساسی اشاره‌ای نشده، و صرفاً به ماده ی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شده، موضوع دیگر در بحث شکلی انتهای قرار دستوراتی را خطاب به دفتر قید کردند، که اگر بعد از اتمام قرار این موضوع انجام می‌شد و جزء قرار نبود، از نظر نگارشی مناسب تر بود. موضوع دیگر با توجه به اینکه موضوع شکایت خیانت در امانت بوده، ماده ۶۷۴ به طور خاص به بحث خیانت در امانت پرداخته است. همکار ما به مواد ۶۷۳ و ۶۶۸ در بحث سوء استفاده از سفید امضاء اشاره کردند. اما به ماده ی ۶۷۴ نپرداخته‌اند، این جا بهتر بود به ماده ی ۶۷۴ هم اشاره می‌شد، و علت عدم انطباق را هم اشاره می‌کردند. موضوع آخر به اینکه در انتهای قرار به علت عدم کفایت دلیل تصمیم‌نهایی اتخاذ شده است، در صورتی که در استدلال‌هایی که ذکر شده همکار محترم اشاره کردند که اصلاً موضوع از شمول مقررات جزایی

خروج موضوعی دارد، که حالا به نظرم ایشان به عدم وجود بزه پرداخته اند، و اعلام شده که با این مواد قانونی انطباق ندارد که اقدام درستی بوده است.

آقای ابراهیم خلیفه ای (رئیس شعبه ی سوم دادگاه تجدیدنظر): ابتدا تشکر می کنم از جناب آقای مهدیان. در وضعیت فعلی تنظیم گردش کار کمتر در پرونده های ما دیده می شود، و این یک حُسن می باشد که یک گردش کار مفصلی را تنظیم کردند، و استدلال هایی هم که آورده شده جای تقدیر دارد، هر چند بعضی از استدلال ها کمتر ارتباط داشته با موضوع اما خوب نقد آراء بیشتر در رابطه با انتقاد و به چالش کشیدن رأی است. اول اینکه گردش کار را یک مرور کردم استدلال ها را هم نگاه کردم جایی ندیدم در این قرار به متهم تفهیم اتهام به نحو صریح و شفاف شده باشد، حتی دلایل شاکی عنوان شده باشد، و دقیقاً این موضوعات تفکیک نشده، که حالا اتهام این متهم یا مشتکی عنه خیانت در امانت است؟ یا سوء استفاده از سفید امضاء؟ و در مقدمه رأی ذکر شده اتهام خیانت در امانت، حالا در گردش کار جایی خیانت در امانت، و بعضی جاها عمدتاً سوء استفاده از سفید امضاء مطرح شده است، و این به نظر می آید بهتر بود ابتدا اتهام متهم مشخص می شد. آیا یک اتهام است؟ یا دو اتهام است؟ یا یکی از آنها. اولین کاری که در تحقیقات صورت می گیرد خوب طبیعتاً بایستی به نحوی صریح شفاف و روشن تفهیم اتهام بشود، و همچنین دلایل شاکی بیان شود، و دلایل این اتهام چیست، که از طرف شاکی ارائه شده، این نقص تا حدودی مشاهده می شود، و بعد هم که در گردش کار استدلال ها بعضی از عبارات ناقص و ابتر گذاشته شده است، و یک ایراد کلی هم این است که استدلال ها منظم و به ترتیب نیستند، که ابتدا به دلایل شاکی پرداخته شود، یا خود دادگاه هم استدلالی دارد در ادامه به ترتیب بیان کند. قالب قرار یا رأی را به صورت باید تهیه کرد. اگر ما مراجعه کنیم به ماده ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، و آنجا به نحو مستدل و مستند خصوصیات که یک رأی باید داشته باشد ذکر شده از جمله اینکه گردش کار جدای از رأی است، و این از قدیم هم بوده، و آقای مهدیان عنوان می کنند که می خواهند یک نوآوری در رأی داشته باشند ولی در هر صورت بایستی به قانون هم توجه شود که آیا این پذیرفته می شود قانوناً یا نه؟ و به نظرم ابتدا گردش کار را مطرح کنیم، و بعد به رأی بپردازیم. مطلب بعدی در خصوص سفته است، موضوع اتهام بوده، و بحث سفید امضاء، حالا این دیگر به آن پرداخته نشده، و هیچ مبلغی، هیچ تاریخی ندارد، آیا این واقعاً سفته است، یا یک سند عادی است؟ و این هم به نظر

می‌آید بایستی یک اشاره ای به آن می‌شد، با این اوصافی که بیان شده نه مبلغ دارد نه تاریخ و قاعدتاً سفته محسوب نمی‌شود، و یک سند عادی است. مطلب دیگری عنوان کردند رأی مرجع کیفری لازم الاتباع است برای مرجع حقوقی ولی مراجع کیفری لزوم به تبعیت از احکام حقوقی را ندارند به این نحو نیست. مضامین یا مطالب بلند را می‌توان در جمله‌های کوتاه تر عرضه کرد که خیلی هم طولانی نشود چه در گردش کار چه در استدلال‌ها و آن قالب‌هایی که در این راه به کار رفته طولانی به نظر می‌آید.

آقای ایرانمنش (نماینده کانون وکلای دادگستری): بنده فقط به یک مطلب اشاره می‌کنم. همین طور که مستحضرید ما یک اصل برائت داریم، و یک فرض برائت. اشتراک لفظی وجود دارد. در دادنامه در بند ششم من دیدم استناد کردند به ماده ی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری واصل برائت، واین اصل برائت، اصل برائت فقهی است. که در اینجا وجود ندارد، و اینجا بایستی ذکر می‌شد فرض برائت؛ چون فرض برائت یعنی فرض بی‌گناهی. در ماده ی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری اصل، یک کاما دارد، بعد می‌گوید برائت، منظور اینکه فرض برائت است، و اصل برائت نیست؛ که منظور اصل بی‌گناهی است. مطلب بعد ما اگر بگوییم اصل برائت، حتماً بایستی دلایلی در راستای این اصل قرار بگیرد، تا بتواند آن را نقض کند، اما اگر ما فرض بگیریم اینجا می‌توانیم از اماره و قرائن هم استفاده کنیم، یعنی وقتی دادگاه این موضوع را فرض برائت بگیرد، در واقع از قرائن هم می‌تواند استفاده کند، و آن را نفی کند، و بهتر بود که در دادنامه به فرض برائت اشاره می‌شد، هر چند این اشتراک لفظی وجود دارد، و خیلی جاها همان اصل برائت در دادنامه‌ها ذکر می‌شود، اما از لحاظ حقوقی بهتر است فرض برائت ذکر شود.

آقای علی میرزابیگی (سرپرست محاکم کیفری دو شهرستان کرمان): نکته‌ای که به نظر می‌رسد بحث گردش کار است که به نظر می‌رسد بایستی قبل از ختم تحقیقات باشد، در واقع ما در گردش کار داریم روند آن چیزهایی که در پرونده اتفاق افتاده است را به نحوی باز و قابل فهم و بیان می‌کنیم، بنابراین به نظر می‌رسد که اعلام ختم تحقیقات، بعد پرداختن به گردش کار اینجا یک ایراد است. به محض اینکه گردش کار در اینجا شروع شده همکار محترم یک زمینه ذهنی بایستی ایجاد می‌کردند برای مطالعه کننده رأی یا مخاطبان شان که بلافاصله قید شده که اظهارات شاکی اخذ و بیان داشت... برای اینکه از سوی مقام قضایی به زندان نروم... اینجا به نظر می‌رسد یک مقدار از

نظر نگارش و شروع بحث دچار عجله بودیم، و یا در ادامه قید شده است تعیین کارشناس مالی... اینجا به نظر می رسد مدّ نظر همکار ما کارشناس حسابداری و حسابرسی بوده، چون به هر جهت بحث اختلاف حساب بوده، و قاعدتاً باید به کارشناس حسابداری و حسابرسی ارجاع شود، و در خود گردشکار که مفصل به آن پرداخته شده است. در واقع اتصال مبانی را به هم احراز نکردم، یعنی به طور خاص وقتی رأی دارد خواننده می شود در یک بار خواندن انسان متوجه شود که رأی چه بوده است. همچنین اشاره شده به وجود پرونده هایی در شعبه ی ۳ بازپرسی و دادگاه تجدید نظر، که از رأی ما استنباط می کنیم ممکن است این پرونده ها مطالبه نشده باشد، و گزارشی تهیه نشده باشد، که به نظر یک ضرورت بوده، و در نهایت بین آن اظهار نظر نهایی و گردش کار از حیث متن خیلی در واقع آن تعادل و تناسب رعایت نشده است، و در خود متن اظهار نظر نهایی اشاره به اسم کامل سمت دادستان محترم عمومی و انقلاب کرمان از نظر نگارش یک ایرادی ممکن است داشته باشد.

آقای حمید کریمی (مستشار محاکم تجدیدنظر): تشکر از همکاران گرامی. رأی خوبی صادر شده، رأی موجهی است، ابتدای رأی آنجا که نوشته استعانت از خداوند متعال اگر با توجه به ماده ی ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری می نویسیم تکیه بر شرف و وجدان را نوشته نشده، و از قلم افتاده است. در بندهای ۴ و ۵ استدلال آخرش تکراری می باشد، در عبارت تکراری مثل هم قید شده است، در بند ۸ که استدلال کردند نیاز نیست پرونده حقوقی بررسی شود، به نظر من داد سرا مرجع تحقیق است و باید جهت کشف حقیقت تحقیقات انجام دهد، اینکه پرونده حقوقی چه وضعیتی دارد، به نظرم بهتر بود بررسی می شد، و تحقیقات می شد. در استدلال هایی که صورت گرفته، گفته شده او وکالت داشته، این نظر دکتر بهرامی است، اما آقای میرمحمدصادقی خلاف این را نظر داده، و بر مبنای اصل تجریدی و تنجیزی اسناد تجاری، قانونگذار به نحوی آمده تا حمایت کند از این اسناد تجاری، و چون حمایت کند ما هم باید حمایت کننده باشیم، و وقتی سفته ای در دست کسی باشد یا چکی در دست کسی باشد اصل بر این است که این طرف مدیون و بدهکار است، و دین آن هم درست است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بحث دیگر در رأی نام مشتکی عنه به درستی قید شده، اتفاقاً نظرم این است که نباید کلمه متهم قید می شد، چون این پرونده یک فرآیند طولانی داشته است. آیا ما اصلاً تفهیم اتهام کردیم که بگوییم حسب شکایت شاکی شما متهم هستید به اتهام فلان و ما حسب شکایت شاکی ایشان را در جایگاه متهم نشانده ایم، و باید تفهیم اتهامی حتماً صورت گرفته باشد، و بهتر بود اگر موضوع از شمول موضوع ماده ی ۶۷۴ است، باید اشاره می شد چرا که از شمول خارج

است. آیا ارکان این جرم و عملی که مرتکب انجام داده کجای آن خروج موضوعی دارد؟ در جایی دیگر هم همکار محترم در بند اول نوشتند به نظر می رسد ... کلمه به نظر می رسد ما در احکام نداریم. و بعد نوشتن اساساً این جوری ست، کلمه به نظر می رسد برای اساتید دانشگاه است یا می خواهند تدریس کنند می گویند به نظر می آید... ما قاضی هستیم با رأی متقن سر و کار داریم، یا صددرصد یا ۹۹٪ و این کلمه به نظر می رسد و جاهت ندارد. در بحث کارشناسی اشاره نشده که دقیقاً بابت چه بوده، و دقیقاً باید استدلال می کرد، این که وفق ماده ۱۵۵ قابلیت استماع ندارد، و باعث اطاله دادرسی می شود کلی هست و باید مشخص شود کارشناسی بابت چه چیزی بوده است؟

آقای رضا نیکبخت (رئیس شعبه ی سیزدهم دادگاه تجدیدنظر): آقای مهدیان یک مطلبی را بیان کردند و گفتن من مثل مقاله این را نوشتم. رأی دادگاه چه رأی چه قرار، باید اسلوب خاص خودش را داشته باشد. اینجا دانشگاه نیست، که مقاله بنویسیم، و برای نوشتن یک قرار به نظر از آن حالت خودش خارج شده، و به هر حال رأی دادگاه باید متقن و خیلی منسجم باشد که متاسفانه به صورت مقاله نوشته شده، و این در شأن یک مقام قضایی نیست. مطلب دیگری که دوستان بحث مشتکی عنه ایشان را مطرح کردند. ما در قانون متهم را داریم، ما ماده 168 قانون آیین دادرسی کیفری داریم که می گوید ما نباید بدون دلیل احضار و جلب انجام بدهیم، بنابراین ما وقتی کسی را احضار می کنیم دلیل و قرائنی وجود دارد و ما باید عنوان متهم را قید کنیم نه عنوان دیگری. مطلب دیگر در بحث گردش کار است، ماده ی ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مواردی که دادگاه باید در متن رأی بیاورد و بالتبع دادسرا هم شامل می شود، یکی از موارد، گردش کار است. اینکه گردش کار را باید قبل از رأی بیاوریم درست نیست؛ چرا که ماده ی ۳۷۸ بیان کرده، و اشکالی هم ندارد اول رأی باشد، یا قبل از آن. نکته دیگر اینکه با توجه به اینکه موضوع پرونده کیفری است، ایشان وارد مسائل قانون مدنی و قانون تجارت شده اند، در صورتی که آنچه پیش روی ماست، و ما باید به آن استناد کنیم قانون آیین دادرسی کیفری است، و قانون مجازات اسلامی است، و ضرورتی ندارد ما وارد مواردی که بحث قانون مدنی می باشد بشویم. ماده ی ۲۶۵ قانون مدنی برای چه استناد شده است؟ و اصلاً ضرورتی ندارد، شکایت ایشان ربا خواری و تحصیل مال از طریق نامشروع است، چطور ایشان وارد بحث سفید امضا بودن و مسائل دیگر شده؟ ما در رأی علاوه بر مستندات قانونی که باید ذکر کنیم، باید طوری باشد که شخص وقتی می خواند متوجه شود که شکایت ایشان ربا خواری و تحصیل مال از طریق نامشروع

است، چطور ایشان وارد بحث سفید امضا بودن و مسائل دیگر شده اند، به جای اینکه وارد بحث مواردی که شاکی مطرح کرده‌اند به شوند اینها همه از نقاط ضعف این رأی است.

آقای مسعود امیرمیجانی (معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان): وجه تمایز قرار صادره این است که تلاش شده با ذکر استدلال عمل مورد شکایت با اوصافی که در فرض جرم بودن عمل مورد شکایت مصداق پیدا می‌کرد تطبیق داده شود، نهایتاً اظهار نظر شود که جرمی واقع نشده است. اما نسبت به نحوه تنظیم قرار و بحث گردش کار صرف نظر اینکه جای این گردش کار کجاست؟ بحث دیگری است. گردش کار بیشتر حول محور موضوعاتی که منجر به فرایند رسیدگی شده است، ذکر تشریفات قانونی صورت گرفته، و مواردی که ناظر به محل و زمان اوقات شکایت و به فرضی که جرم بود وقوع جرم احتمالی باید صورت گیرد، و گردش کار مشخص و معلوم باشد، که جزء موارد قانونی است، و ضرورت دارد به زمان و محل شکایت اشاره شود، اما در نحوه استدلال‌هایی که صورت گرفته به نظر می‌آید زیبنده تر این بود که به نحو بهتری تنظیم می‌شد، به عنوان مثال در بند ۲ یا در بند ۸ استدلالی که آمده گفته شده در خصوص ارجاع امر به کارشناس مسموع نمی‌باشد، بهتر بود که اینطور گفته می‌شد که قابل ترتیب اثر نیست، یا موثر نیست، اما در ماهیت رأی عنوان شده که ارجاع امر به کارشناسی موثر نیست یا ضروری نیست. محور تحقیقات این بوده که آیا جرم واقع شده یا نشده؟ آیا ارکان و عناصر تشکیل دهنده جرم در جرائم مورد اشاره اتفاق افتاده است؟ استدلال‌ها بعضاً حقوقی است، در حالیکه استدلال‌های حقوقی بعضاً محل بحث است. بهتر بود که آقای مهدیان برداشت شان از این استدلال‌ها را به ارکان ثلاثه جرم ربط می‌دادند. اما دیگر استدلال عنصر سپرده شدن موضوعیت ندارد و معمولاً در رسیدگی محور استدلال‌ها باید به موضوع پرونده برگردد. یک نکته دیگر اینکه نهایتاً مشخص نشده سفته‌های مورد نظر چند تا است؟ چون به هر حال این رأی واجد اعتبار امر قضاوت شده است، حالا سه یا چهار تا که هم دادگاه اشاره کرده هم آقای مهدیان شماره دو تای آنها را نوشته و نشان می‌دهد تحقیقاتی در این خصوص صورت نگرفته، و این سفته‌ها چه شماره‌هایی بوده، و این به نظر ایراد می‌آید.

آقای اکبری زاده (رابط پژوهشگاه و مستشار تجدیدنظر): کلید واژه ای که در این جلسه زیاد استفاده شد، و مورد توجه همکاران محترم بود کلمه "گردش کار" بود. ما شش جلسه نقد رأی برگزار کردیم، این اولین جلسه ای است که رأی ما دارای گردش کار است، یعنی باید با آقای مهدیان احسنت گفت.

رویه ایشان هم همین است که تصمیمات ایشان با گردش کار است. حالا چرا اینقدر گردش کار مهم است؟ برای اینکه کسی که رأی را می بیند پرونده جلوییش نیست، ما می خواهیم با رأی به او اطلاع رسانی کنیم، سیر کار پرونده چه بوده، تا به این تصمیم رسیده است. رویه قضایی بر نوشتن گردش کار نیست، اما سند تحول قضایی و دستورالعمل اتقان آراء قضایی ما را به این سمت رهنمون می کند که در آراء گردش کار استفاده شود. دلیل انتخاب رأی امروز هم همین بوده که نکته مثبت آن گردش کار است. در متون قانونی تنها در ماده ی ۵۹ قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری گردش کار تعریف شده است. «گردش کار متضمن خلاصه ای از شکایت و دفاع طرف شکایت، تحقیقات انجام شده و اشاره به نظر مشاور.» ما دیگر در قوانین و مقررات تعریفی از گردش کار نداریم. مقنن در ماده ی ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری گردش کار را آورده، ولی تعریف ننموده، و در ماده دو دستورالعمل ارزیابی اتقان آراء قضایی گردش کار آمده است. بنابراین گردش کار بسیار تا بسیار اهمیت دارد. با توجه به اینکه دستگاه قضایی به دنبال تحول است، یکی از تحولات همین قید گردش کار در آراء می باشد، رأی فاقد گردش کار یعنی رأی که ناقص است، و ایراد دارد.

آقای مصطفی مهدیان (قاضی صادر کننده رأی): اصل تناظر ایجاب می کند که متناسب با ایرادات و وقت پاسخ داده شود، اینکه گردش کار جایش کجاست، حقیقتاً من در قانون الزامی ندیدم، که جای آن کجاست. لذا اینکه برخی همکاران عنوان می کنند خلاف قانون است من جایی ندیدم خلاف قانون باشد. مواد قانونی آیین دادرسی کیفری ضرورت گردش کار را بیان کرده است، اینکه بعضی همکاران گفتند که فرد مشتکی عنه بایستی به عنوان متهم ذکر می شد، دلایل شاکی ذکر می شد، عرض کنم که اساساً دلیلی وجود نداشت، و اتهامی متوجه فرد نبود، و بنده به عنوان مقام قضایی اصلاً فرد را به عنوان متهم احضار نکردم، و عنوان متهم را برای آن بار نکردیم، و در قرار هم اساساً کلمه متهم ذکر نشده است. اینکه چرا در خصوص دلایل شاکی اظهار نظر نشده است، شاکی دلیلی نداشته، و ایشان فقط به کارشناسی متوسل شده است، و ما این عنوان را اعلام کردیم که به چه علت رد کردیم و این که خلاصه ای از پرونده داد سرا ذکر نشده است این را من قبول ندارم، و ما در داد سرا هستیم، و با تسریع در رسیدگی مواجه هستیم، و مطلب دیگر اینکه نیاز نبود پرونده حقوقی مطالعه شود، و من به عنوان مرجع کیفری آن پرونده را موثر در کشف حقیقت ندانستم. این که نظر آقای دکتر بهرامی و میر محمد صادقی هم ذکر شد این هم محل تأمل است که اساساً سوء استفاده از سفید امضا تحت عنوان وکالت در تحریر مندرجات قرار می گیرد یا خیر؟ بیان این موضوع از وقت جلسه خارج بوده،

وقابل پاسخ است. اینکه در خصوص خیانت در امانت توضیح داده نشده در یکی از استدلال‌ها ذکر شده که هیچ دلیلی یافت نشده و ارجاع امر به کارشناسی هم توضیح داده شده است که برای چه ما فارغ از ارجاع امر به کارشناسی هستیم، و اینکه یک بحث اختلاف مالی قلمداد نکردیم. اینکه در خصوص ارکان ثلاثه جرم در هر یک از سه جرم خیانت در امانت، سوءاستفاده از سفید امضا و اخذ نوشته به صورت اجبار و اکراه اظهار نظر نشده این کاملاً درست است، و اگر بنا بر این بود بایستی بالای ۲۰ صفحه توضیح داده می شد. عدم ثبت شماره سفته های شاکی ابتدای پرونده ذکر شد، از شاکی سوال شد اظهار عجز کرد. ذکر دو شماره دیگر بیان کرد سه یا چهار فقره سفته موضوع شکایت که دو مورد از آنها را ما توانستیم خودمان پیدا کنیم، حتی شاکی نتوانست، اظهار عجز کرد، و گفت اطلاعی ندارم، و این که در خصوص عدم تناسب استدلال ها با یکدیگر، این نظر شخصی من است که ما صرفاً به ترتیب دفاعیات اشخاص پرداختیم، باز هم تشکر می کنم از عزیزان که ایرادات موجهی را بیان کردند.

آقای محمد باقر اسلامی (معاون منابع انسانی دادگستری استان کرمان): قراری که جناب آقای مهدیان صادر کردند دارای نقاط قوت بسیاری بود. مخصوصاً همانطور که جناب اکبری زاده اشاره کردند بحث گردش کار و خود رأی و ماهیت رأی و قرار در راستای سند تحول صادر شده است. البته این قرار قبل از ابلاغ سند تحول صادر شده است، یعنی یکی از نکات برجسته این قرار این است. در حال حاضر دستورالعمل اتقان آرا ابلاغ شده و آرای که از امسال در بوته نقد قرار می گیرد بر اساس این دستورالعمل بررسی خواهند شد. استدلال های آقای مهدیان بسیار خوب، استنادات بسیار خوب بودند، که از نقاط قوت رأی محسوب می شوند. قطعاً شلوغی کار و تراکم پرونده در دادسرا مانع می شود که قضات به همه جوانب بپردازند. در پایان از همه عزیزان تشکر می کنم.

بخش سوم: جمع بندی و نتیجه گیری

لازمه ارائه یک رأی متقن و مستحکم داشتن گردش کار در رأی می باشد، و وجود گردش کار هم انتظام فکری به رأی می بخشد و از طرفی، هم خواننده را به کم و کیف جریان پرنده واقف نموده، و آینه ای تمام نما از محتویات پرونده می باشد، و حرکت دادگستری به سمت تحول اقتضاء دارد که آراء واجد بخش گردش کار باشند، هر چند کثرت کار و تراکم پرونده کمتر مجال و فراغ وسیعی برای قاضی جهت پرداخت به گردش کار در تدوین تصمیم مختومه کننده خود پیش می آورد، لیکن فقدان گردش کار یک نقص محسوب می شود، که هیچ دلیلی جای خالی آن را پر نمی نماید.

همین که اهمیت وجود گردش کار در یک رأی مشخص شد، باید دید که این گردش کار در کجای رأی باید قرار گیرد، و حاوی چه اطلاعاتی باشد. نام گردش کار چهار چوب آن را مشخص می کند، که سیر روند جریان امور را باید در خود جای دهد، و محلی برای درج استدلال و استنباط و نتیجه گیری نیست. از طرفی محل قرار گیری آن براساس بند «ت» ماده ی 378 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1372 با اصلاحات و الحاقات بعدی، قبل از متن کامل رأی می باشد.

در رأیی که مورد بررسی قرار گرفت بهتر بود قاضی محترم براساس ماده ی 378 قانن آیین دادرسی کیفری و دستور العمل ارزیابی اتقان آراء قضایی گردش کار را قبل از ختم تحقیقات قرار نهایی خود قرار می داد.

والسلام علی من التبع الهدی